



مطالعه تطبیقی باز نمود روایات تصویری اسارت والرین به دست شاپور در نقش برجسته نقش رستم و برخی از نقاشی های غربی

علیرضا طاهری^{۱*}، اعظم ظفر کامل^۲

^۱استاد گروه فرش، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.
^۲کارشناس ارشد پژوهش هنر، گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.
(تاریخ دریافت: ۹۹/۰۹/۱۹، تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۲۳)

چکیده

نبرد ادسا یکی از جنگ های معروف و مهم بین دو امپراتوری شرق (ساسانیان) و غرب (رومیان) در زمان خود و در دوران پس از آن بوده است. شاپور، دومین شاهنشاه ساسانی طلایه دار سپاه ساسانی درنبرد با رومیان در جنگ های متوالی با رومیان بود. بنابر روایات، وی سه نبرد با رومیان داشته است، نبرد سوم در سال ۲۶۰ میلادی و در ادسا (منطقه ای در ترکیه) با والرین روم اتفاق افتاد. پس از شکست سپاه رومیان توسط شاپور، سربازان و فرماندهان و خود والرین همگی به اسارت وی درآمد و اسیر و زندانی می شوند. شاپور به سبب چنین پیروزی بزرگی فرمان داد تا صحنه پیروزی خود را در چندین مکان حک کنند. نقش رستم یکی از مکان هایی است که در آنجا، صحنه پیروزی شاپور در نبرد ادسا و زانو زدن و تحقیر والرین رومی به صورت نقش برجسته به نمایش درآمد است. این صحنه پیروزی شاپور و تحقیر پادشاه رومی، علاوه بر نقش برجسته ها، به عنوان یک حادثه مهم تاریخی در قرون بعدی نیز تصویرسازی شده اند، اما در برخی از آثار نقاشی غرب این روایت به گونه ای متفاوت روایت و تصویر شده است. این پژوهش قصد پاسخ به این سؤال را دارد که: «دلیل تفاوت در بیان روایت نحوه رفتار شاپور با والرین در این نبرد در برخی آثار نقاشی غربی چیست؟» نتیجه مطالعه نشان می دهد که در بیشتر آثار نقاشی غربی با این موضوع، دلیل تحقیر والرین و احساس پشیمانی در چهره وی، منتسب به روایات عقوبت شکنجه کنندگان و آزاردهندگان مسیحیان اولیه است. برخی مورخین غربی به واسطه تعصب مذهبی که داشته و همچنین مسیحیانی که تحت فشار و آزار و اذیت امپراتور والرین قرار داشته اند، ذلت و خواری برای وی و بدرفتاری شاپور با او را دست انتقام خدا دانسته اند و همین امر منجر به گزافه گویی ها و وارونه جلوه دادن این داستان شده است. این تحقیق به روش توصیفی و تحلیلی انجام شده است.

واژگان کلیدی

ساسانیان، شاپوراول، نبرد ادسا، والرین، نقش رستم.



مقدمه

نقش برجسته‌های ساسانی منابع مهمی از آثار و اطلاعات کهن آن دوره به حساب می‌آیند. نقش برجسته پیروزی شاپور اول بر والرین روم، روایت‌کننده پیروزی ساسانیان بر رومیان و اسارت قیصر والرین به دست شاپور در نبرد معروف به ادسا است که بعد از پیروزی شاپور به فرمان وی در نقش رستم حک شده است. این موضوع همانند برخی دیگر از وقایع تاریخی ایران (از جمله داستان استر و مردخای) در نقاشی‌ها و آثار غربی نیز به تصویر کشیده شده است. بیشتر این آثار همان تکرار روایت و صحنه خفت و خواری والرین در مقابل شاپور و اسب وی است، با این تفاوت که در آثار غربی حضور شخصیت‌ها و عناصر مکمل صحنه بیشتر بوده و شاپور شاه در حال سوارشدن بر اسب خود با گذاشتن پا بر پشت امپراتور والرین است.

این مقاله به دنبال این پرسش است: «دلیل تفاوت در بیان و روایت رفتار شاپور با والرین پس از نبرد ادسا در برخی از نقاشی‌های غربی چیست؟» در این پژوهش پس از بررسی روابط و مناسبت‌های شاهنشاهی دو امپراتوری ساسانی و روم، واقعه نبرد ادسا در نقش رستم و برخی آثار نقاشی غربی مورد تحلیل قرار گرفته و نتایج این تحلیل‌ها در هریک از نقوش بیان شده است.

روش پژوهش

در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات از روش مطالعات کتابخانه‌ای و همچنین وبگاه‌های معتبر علمی استفاده شده است.

پیشینه پژوهش

در خصوص تاریخ ساسانی، جنگ ادسا و نقش رجسته نقش رستم تحقیقاتی از منظر تاریخ‌نگاری و باستان‌شناسی صورت گرفته و کتاب‌ها و مقالاتی نیز به رشته تحریر درآمده است، از جمله: شاهنشاهی ساسانی نوشته تورج دریایی (۱۳۸۳) که مرثیة ثاقب فر آن را ترجمه کرده است. این کتاب به تاریخ، دین، اقتصاد و سازمان اداری و جامعه و زبان و ادبیات دوران ساسانی پرداخته است. *ایران در زمان ساسانیان* از کریستن سن (۱۳۸۷)، ترجمه رشید یاسمی که به تاریخ ایران ساسانی و وضع دولت و ملت آن دوره پرداخته و از تأسیس این امپراتوری تا انقراض آن سخن بیان کرده است. *تاریخ تحولات سیاسی ساسانیان* نوشته شهرام جلیلیان (۱۳۹۶). جلیلیان در کتاب خود به صورت مفصل به آغاز و پایان کار هریک از شاهان ساسانی پرداخته و بیشتر جزئیات هر دوره پادشاهی را در اکثر جوانب بیان کرده است. کتاب‌هایی در خصوص تحلیل سنگ‌نگاره‌های ساسانی به چاپ رسیده‌اند، نقش برجسته‌های ساسانی نوشته سید رسول موسوی و علی‌اکبر سرافراز (۱۳۹۶)، که موضوعات نقش برجسته‌های ساسانی را به دو دسته تقسیم کرده و در هر گروه به تجزیه و تحلیل این نقوش پرداخته و نظرات دیگر پژوهشگران را نیز آورده است. کتاب دیگر *سنگ‌نگاره‌های ساسانی* به نویسندگی شهره جوادی و فریدون آورزمانی (۱۳۸۸)، با عنوان سنگ‌نگاره‌های ساسانی است که به توضیح داستانی نقوش پرداخته و در انتها تصاویر سنگ‌نگاره‌ها، سکه‌ها

و تاج‌های ساسانی را در جداولی آورده است.

مبانی نظری پژوهش

مناسبات ساسانیان و رومیان

دولت ساسانی پس از دولت بزرگ اشکانی بر سرکار آمد. ظهور سلسله ساسانی، شورش اردشیر اول (۲۴۰-۲۲۴) بر ضد اشکانیان، سقوط پادشاهی پارت و تأسیس امپراتوری جدید پارسی ساسانی نه تنها نقطه تحول در تاریخ ایران باستان بلکه همچنین آزمونی در موضوع روابط روم با ایران باستان بود (دیگناس، وینتر، ۱۳۹۸: ۱۶). اردشیر پس از روی کار آمدن، تصرفات بسیاری انجام داد، بنا به گفته برخی مورخین چون اردشیر خود را وارث هخامنشیان می‌دانست به این فکر افتاد که حدود ایران را از طرف مغرب تا دریای مدیترانه گسترش دهد. این فکر به معنی این که رومیان را از آسیای غربی خارج کند. طبری مورخ عرب‌زبان (سده‌های نهم و دهم میلادی) بیان می‌دارد که اردشیر پس از استحکام موقعیت خود در غرب ایران، لشکرکشی عظیمی به شرق ایران انجام داد و سیستان و گرگان، مرو و بلخ و خوارزم را متصرف شد. او با تصرف کاخ تیسفون و اتخاذ لقب شاهنشاه ایرانیان و بازسازی و بازپردازی شهر سلوکیه در ساحل دجله بانام جدید «وه اردشیر» (عمل نیک اردشیر) بر دامنه موفقیت سیاسی و نظامی خود افزوده است (آژند، ۱۳۸۵: ۹۲-۹۳). پس از مرگ اردشیر، پسر او شاپور مسئولیت حکومت را پذیرفت. «شاپور یکم تا سال ۲۴۰ میلادی نایب‌السلطنه بود» (دریایی، ۱۳۸۳: ۹). در دوران حکومت وی، آبادانی و شکوفایی‌های سیاسی در سرزمین ایران به وجود آمد. «شاپور اول در زمان حیات پدرش اردشیر بابکان به فرمانروایی خراسان و کوشان منصوب شد و در جنگ اردشیر با رومیان در سال ۲۳۷ میلادی فرماندهی سپاهیان را بر عهده داشت. شاپور در این جنگ نبوغ فرماندهی خود را نشان داد. او پس از درگذشت پدرش به سال ۲۴۱ میلادی، بر تخت سلطنت نشست و بنا به سنت باستانی در نوروز سال ۲۴۲ به شیوه باشکوهی تاج‌گذاری کرد» (نژاد اکبری، ۱۳۸۶: ۲۹).

مناسبات و نبردهای ساسانی و روم

روابط دولت بزرگ ساسانی با همسایه غربی‌اش روم را بیشتر می‌توان متلاطم بیان کرد تا در سایه آرامش. در غرب دولت بزرگ روم، تصرفات اسکندر را تسخیر کرده بود و در مقابل او در شرق، ساسانیان خود را وام‌دار حکومت هخامنشیان می‌دانستند. این در همسایه سالیان متمادی در جنگ و درگیری به سر بردند. برخی مورخین، زمان این ناآرامی‌ها را از قرن سوم تا هفتم میلادی ذکر کرده‌اند. این جنگ‌ها از ابتدا باروی کارآمدن اولین شاه ساسانی آغاز شد. با به قدرت رسیدن اردشیر، خطر بزرگی برای همسایه غربی ساسانی به وجود آمد. «اردشیر پس از سامان بخشیدن به حکومت خود، لشکریان فراوانی را به مرکز کشورهای اطراف گسیل کرد (نژاد اکبری، ۱۳۸۷: ۲۴).

در دوران حکومت اردشیر مرزبندی‌های ایران به لحاظ جغرافیایی همان مرزبندی‌های حکومت قبل از خود بود. اما بر اثر نظام جدید،



نقض توافق واداشت و روم را مسبب جنگ‌های جدید خواند. «دخول دیانت عیسی در ارمنستان که مقارن آن احوال به دست‌تروت و جانشینان او انجام گرفت موجب شد که بین روم و ارمنستان ارتباط محکم‌تری ایجاد گردد. اگرچه یولیانس قیصر روم به مخالفت دین عیسی برخاست و از این‌رو او را مرتد لقب داده‌اند ولی کار او موقت بود» (کریستن سن، ۱۳۸۷: ۲۶). از این‌رو ارمنستان سرزمین مهم و سیاسی برای دو کشور به حساب می‌آمد و دستخوش نزاع و درگیری این دو قدرت بود. پس عهدشکنی رومیان بهانه برای تصرف ارمنستان به دست شاپور داد.

شاپور، ارمنستان را در سال ۲۵۲-۲۵۳ میلادی گرفت و پسرش را به تخت سلطنت نشاند. «ساسانیان با گرفتن ارمنستان یکی از پایگاه‌های مهم رومیان را از چنگ آن‌ها درآورد و این نه تنها در جنگ‌های آینده ساسانیان با رومیان اهمیت داشت که از دیدگاه جنگی و بازرگانی هم ایرانیان را در منطقه قفقاز برتری بخشید» (ویتنر و دیگناس، ۱۳۸۵: ۱۳).

نبرد ادسا

در نبردی مهم و تاریخ‌ساز به نام نبرد ادسا پیروزی دیگری نصیب شاپور شد. نبرد ادسا که روایت‌کننده عظمت و اقتدار شاپور بود به سال ۲۶۰ میلادی (به روایتی ۲۵۸ میلادی) بین دو امپراتوری صورت گرفت. شاهنشاه ایران پس از نپذیرفتن عقد پیمان قرارداد از جانب *اودانتات*، به فکر حمله به روم افتاد. شخصی به نام کوریادس به خاطر وعده امپراتوری روم که شاپور به او داده بود، سپاه ساسانی را تا انطاکیه راهنمایی کرد.

والریانوس (الرین) قیصر روم که پیرو سالخورده بود، برای نجات روم به فکر افتاد که در انطاکیه با سپاه شاپور بجنگد. او که در تعقیب و آزار مسیحیان اهتمام زیادی داشت پس از مقاومت‌ها بسیار در نزدیکی محلی به نام ادسا به‌وسیله قوای شاپور محاصره شد و در صدد برآمد تا با تقدیم مبلغی پول شاپور را به صلح راضی کند. اما پیشنهاد او رد شد و او مجبور به جنگ تن‌به‌تن شد. در این میان به علت طغیان سربازان خویش و در حالی که از دست آن‌ها فرار می‌کرد با قسمت عمده سپاه خویش به دست شاپور اسیر شد (زرین کوب، ۱۳۶۴: ۴۲۸-۴۳۰).

نقش برجسته پیروزی شاپور اول بر والرینوس رومی، نقش رستم

«در سال ۲۶۰ میلادی شاپور اول پادشاه ساسانی، والرین امپراتور روم، فرماندهان و سربازان وی را اسیر کرد. شاپور به افتخار این پیروزی دستور نقش کردن صحنه پیروزی خود را در نقش رستم داد تا وی را پیروزمندانه نشسته بر اسب، و امپراتوران اسیر را به نحوی تحقیرآمیز در برابر وی نشان دهند. والرینوس یا والرین تا پایان عمر در زندان باقی ماند. این صحنه پیروزی و تحقیر رومیان، علاوه بر اینکه بر روی دیواره‌های صخره‌ها ثبت گردید به‌عنوان یک حادثه مهم تاریخی در قرون بعدی نیز تصویرسازی شد» (طاهری، ۱۳۹۶: ۷). این نقش برجسته به لحاظ شیوه حجاری و موضوع، اهمیت بسیار زیادی دارد. طول نقش برجسته ۱۲ متر و عرض آن ۷/۵ متر است و در قسمت پائینی آرامگاه داریوش اول نقش شده است. در مرکز صحنه، شاپور در مقام فاتح نبرد، سوار بر اسبی کوه‌پیکر قرار گرفته و از نظر تناسب نسبت به بقیه افراد حاضر در

تحکیم و تمرکز قدرت داخل، چند سالی پس از به‌قدرت‌رسیدن (اردشیر) خود را در وضعی دید که توانست دعاوی تازه مطرح کند که بر اثر آن بخش‌های وسیعی از نیمه شرقی دولت امپراتوری روم در معرض تهدید قرار گرفت، این وضع باعث شد که روم دولت ساسانی را از همان آغاز روابط مشترک حریفی جدی برای خود به حساب آورد (ویتنر و دیگناس، ۱۳۸۶: ۹). اردشیر تصرفات بسیاری انجام داد و با گسترش مرزهای جغرافیایی حکومت خود، نبردهای بسیاری را با روم آغاز کرد. جنگ اول اردشیر با روم به سال ۲۳۲ میلادی و با *الکساندر سوروس* صورت گرفت که منجر به عقب‌نشینی قوای وی گردید. «از گزارش هرودیان که هم‌زمان با اوست چنین برمی‌آید که اردشیر اول نامه قیصر روم سوروس الکساندر (۲۲۲-۲۳۵) را که در آن فرمانروایی ساسانی را به صلح ترغیب کرده و فتوحات برجسته‌ی آوگوستوس، تراژن و سپتیموس سوروس را یادآور شده بود، با این درخواست متقابل پاسخ گفت که روم باید نیروی خود را از سراسر سوریه و آسیای صغیر بیرون بکشد» (ویتنر و دیگناس، ۱۳۸۵: ۱۱).

این حمله اردشیر در سال ۲۳۳ میلادی، توسط دولت روم پاسخ داده شد و سرزمین‌های تصرف‌شده توسط شاهنشاه ساسانی به تصرف رومیان درآمد. در این میان شاید هیچ‌یک از دو دولت ساسانی و رومی پیروز نهایی نشدند اما در غرب جلوگیری و دفاع از حمله ساسانیان به‌عنوان پیروزی بزرگ نمایش داده شد. بعد از گذشت چند سال از این حمله، مجدد زمینه حمله ساسانی به روم مهیا گشت. اردشیر مجدد به غرب حمله کرد و تصرفاتی نیز در برخی شهرها نیز انجام داد. بعد از مرگ اردشیر، همچنان جنگ و جدال ادامه داشت. با به سلطنت‌رسیدن شاپور این جنگ‌ها مجدد آغاز شد که به تسخیر شهرهای روم شرقی، نصیبین، کاوه و ادس و انطاکیه منجر شد. هم‌زمان با سلطنت شاپور، در روم نیز جوانی پانزده‌ساله به نام آنتوس گوردیانوس به سریر قدرت نشست اوضاع روم در زمان وی آشفته و هرج‌ومرج بود. شاهپور این وضع آشفته را مغتنم شمرد و به روم لشکر کشید. پس از عبور از دجله، به بین‌النهرین رسید و شهر نصیبین را محاصره کرد پس از رسیدن به سوریه، شهر انطاکیه را که در روم شرقی بود را تسخیر کرد، پس از کشته‌شدن گوردیانوس فیلیپ معروف به فیلیپ عرب (۲۴۴-۲۴۹) به‌جای او نشست و کوشید تا با دولت ایران صلح نماید تا شاید از این راه مجلس سنای روم را که وی را امپراتور غاصب می‌دانست راضی کرده باشد. در نتیجه به سال ۲۴۴ میلادی بین شاپور و فیلیپ عرب قرارداد صلحی منعقد گردید و قرار شد که دولت ایران ارمنستان را تملک نموده و ایالت بین‌النهرین کماکان به دست روم باشد. بعد از این مصالحه بین فیلیپ و شاپور مدت چهارده سال میان ایران و روم حالت متارکه جنگ بود (مشکور، ۱۳۶۶: ۱۶۶-۱۶۷).

در سنگ‌نبشته‌ای به سه زبان در کعبه زرتشت شاپور درباره جنگ‌های پیروزمندانه خود با امپراتوران روم گزارش‌هایی آورده است. معاهده‌ی صلحی که بین ساسانیان و رومیان بسته شد، چند سالی این دو امپراتوری در سایه آرامش و صلح بیشتر دوام نیاوردند. برخی دخالت‌های روم، از جمله پناه‌دادن به *تیرداد* پادشاه فراری ارمنستان، شاپور را به بیان



را آب‌وتاب و بیشتری داده‌اند تا فرجام کار دشمنان مسیحی را بیشتر عبرت‌انگیز نشان دهند» (زرین کوب، ۱۳۶۶: ۴۳).

تحریف در روایت موضوع پیروزی شاپور بر والرین در نویسندگان غربی حتی در قرون متأخرتر نیز ادامه داشته، سیریل الگود (۱۸۹۳-۱۹۷۰) مورخ و پزشک سفارت بریتانیا در ایران نیز از نحوه بدرفتاری شاپور با والرین سخن گفته: «والرین که تازه بر تخت امپراتوری نشسته بود، شخصاً برای انتقام‌جویی از این توهین دست‌به‌کار شد و هنگام عبور از فرات با شاپور در نزدیکی دیوارهای الرها مصاف داد ولی شکست خورد و زندانی گردید، طرز رفتار با والرین کاملاً معلوم است. می‌گویند او را پیوسته در معرض استهزای مردم قرار می‌دادند و از آن گذشته هر وقت شاپور می‌خواست سوار بر اسب شود و پای خود را بر گردن او می‌گذاشت. پس از اینکه والرین در اسارت در گذشت پوست او را با کاه پر کردند و به شکل هیکل انسان درآوردند و در یکی از پرستشگاه‌ها گذاشتند» (الگود، ۱۳۵۶: ۵۸). تحریف تاریخ و خصومت در بیان الگود کاملاً مشهود است، وی برای استناد گفته‌های خویش از اصطلاح «می‌گویند» بهره گرفته است، هدف وی همانند پیشینیان خویش از بیان این روایات، تأکید بر عقوبت وحشتناک آزاددهندگان مسیحیان نیست، بلکه مقاصد سیاسی در آن نهفته است.

جورج راولینسون^۲ (۱۸۱۲-۱۹۰۲ میلادی) تاریخ‌نگار، پژوهشگر دانشگاهی و الهیات‌شناس مسیحی انگلیسی است، وی در یکی از کتاب‌های خود با نام هفتمین شاهنشاهی بزرگ شرقی (ساسانیان)^۳، ۱۸۷۵ میلادی، مجدد همین ادعاها را مطرح کرده است.

هلن گاردنر در کتاب خود بیان می‌دارد: «مسیحیت همانند بسیاری از کیش‌های خاورزمینی، دینی بود که مخصوصاً ادعای نجات بشریت را داشت، توفیق بی‌مانند این دین در گرواندن جمعیت‌های انبوه شهرهای بزرگ روم در عصر امپراتوری به‌خود، توجه مقامات رومی را به آن جلب کرد مسیحیان چون از به رسمیت‌شناختن دین دولتی یا کیش پرستش امپراتور سرباز می‌زدند و چون از شرکت جستن در مراسم نسبتاً سهل‌انگارانه آن خودداری می‌کردند، خرابکار سیاسی به‌شمار می‌رفتند و شدیداً مورد پیگرد قرار می‌گرفتند. تاسیتوس مسیحیان را معتقدان به

صحنه بزرگ‌تر (پرسپکتیو مقامی) قوی‌تر و هیکل‌تر حجاری شده است. شاهنشاه با تاج کنگره‌دار مخصوص خود بر زین اسبی نشسته و با دست خود میچ دست فیلیپ عرب را گرفته و در مقابل او والرین زانو راست خود را خم کرده و درخواست بخشش از شاپور شاه دارد. نقش کرتیر، موبد بزرگ نیز پشت سر شاه نمایان است (تصویر ۱).

روایت نبرد در آثار غربی

در آثار هنری غرب صحنه پیروزی شاپور بر والرین به طریقی دیگر و متفاوت از نقش برجسته نقش رستم تصویر شده است. در روایت‌هایی که توسط برخی مورخین غربی بیان شده است، شاپور را فردی بی‌رحم عنوان نموده و بر خورد او را غیرانسانی توصیف کرده‌اند. ادوارد گیبون (۱۷۳۷-۱۷۹۴ میلادی) مورخ معروف انگلیسی اسارت والرین رومی را با ذکر مطالبی بدون استناد تاریخی و با کاربرد لفظ «می‌گویند» این چنین گزارش می‌کند: «می‌گویند شاپور والرینوس (والرین) را خلعت ارغوانی سلطنت پوشانیده و به زنجیر بسته بود و در معرض تماشای انبوه خلایق قرار می‌داد و نیز گفته‌اند هر وقت می‌خواست سوار بر اسب خویش شود، پای بر پشت امپراتور روم می‌نهاد. هنگامی که والرینوس در زیر بار ننگ و غم جان سپرد شاپور دستور داد پوست او را از کاه انباشته و به‌صورت انسان زنده‌ای درآوردند و آن را سالیان دراز در یکی از آتشکده‌های ایران نگاه داشتند (گیبون، ۱۳۵۱: ۱۷-۱۹۷).

برخی مورخان رومی همچون فیرومیانوس لاکتانئوس^۱ (۲۵۰-۳۲۵ میلادی) که از مورخین نومسیحی و مشاور امپراتور کنستانتین اول بود، کتاب لاتین وی با عنوان درباره مرگ شکنجه‌گران^۲ ماهیتی عذرخواهانه دارد اما نویسندگان مسیحی به‌عنوان یک اثر تاریخی با آن رفتار کرده‌اند. هدف کار شرح مرگ شکنجه‌گران مسیحی قبل از لاکتانئوس است که مؤمنین مسیحی را شکنجه و آزار می‌کردند. وی مطالبی اغراق‌آمیز درباره رفتار خشونت‌آمیز شاپور ساسانی با والرین رومی نوشته و عاقبت وی را به‌عنوان سرنوشت شکنجه‌گران مسیحی معرفی می‌کند: «پادشاه ایران با این امپراتور نگون‌بخت مانند برده رفتار می‌کرد و دست‌های او را زنجیر کرده، هنگام سوار شدن پای بر پشت او می‌گذاشت و وی مانند چهارپای سواری به فاتح بی‌مروت خود خدمت می‌کرد، و نیز نوشته که بعد از

مردن این امپراتور در سال ۲۶۵ یا ۲۶۶ میلادی به امر شاپور، پوست بدن او کنده و برای اینکه یادگاری از فتح درخشان ایران باشد نگاه داشته‌اند» (مشکور، ۱۳۶۶: ۱۷۷).

دکتر عبدالحسین زرین کوب در کتاب خود روایت پیروزی شاپور در برخی منابع غربی را چنین بیان می‌کند: «در روم داستان‌های بسیار در باب اسارت والرینوس نقل شده، با آب‌وتاب بسیار و مسیحی‌ها آن را عقوبت الهی در حق این دشمن ستمکار خویش خواندند. روایتی هم که راجع به رفتار اهانت‌آمیز شاپور در حق او هست از مبالغه خالی نیست و به نظر می‌آید مؤمنان مسیحی آن



تصویر ۱. نقش برجسته، شاپور اول سوار بر اسب در حالی که والرین امپراتور روم به همراه فیلیپ عرب اسیر وی شده‌اند، نقش رستم، فارس. منبع: طاهری، ۱۳۹۶: ۹



شماره ۲۳۵۹۴).

برخلاف تمامی روایت‌هایی که ذکر آنان گذشت و طبق کتیبه‌ای که در کعبه زرتشت وجود دارد، شاپور، والرین و همراهان و ملازمان او را اسیر کرده و در آبادانی و ساخت سد از علم آن‌ها سود برده است. صحت این ادعا را در اشعار شاهنامه فردوسی که منبع خوبی از تاریخ ایران باستان است نیز می‌توان یافت. فردوسی قیصر والرین را بانام «بزانش» می‌خواند (تصویر ۲):

همی برد هر سو بزانش را	بدو داشتی در سخن گوش را
یکی رود بد پهن در شوشتر	که ماهی نکردی بر او برگذر
بزانش را گفت کز هندسی	پلی سازی ان چنان چون سزی
تو از دانش فیلسوفان روم	به کار آر چندی در این مرزوبوم
چو این پل برآید سوی خان خویش	بروتازئی باش مهمان خویش
ابا شادمانی و با ایمنی	زید دور و از دست اهریمنی

(مقتدر، ۱۳۸۹: ۱۴۹).

در نگاره‌ای از شاهنامه مصور، شاپور اول شاه فاتح، سوار بر اسب است و در مقابل او سربازانی هستند که والرین رومی را دست‌بسته به حضور وی آورده‌اند. برخلاف این تصویر که در آن خشونت یا رفتار تحقیرآمیز دیده نمی‌شود، در نگاره‌ای از شاهنامه مکتب هرات، شاپور در حال بریدن گوش و بینی والرین است (تصویر ۳).

نقش برجسته نقش رستم

در این نقش برجسته شاپور اول شاهنشاه فاتح ساسانی در مرکز صحنه



تصویر ۳. شاپور یکم در حال بریدن بینی و گوش والرین، نگاره‌ای از شاهنامه فردوسی، جوهر و رنگدانه بر روی کاغذ، نسخه خطی والترز، محمد میرک بن میر محمد الحسینی، مکتب هرات، موزه هنر والترز. منبع: (thewalters.org).

یک آیین فاسد و عمل‌کنندگان به مراسمی گمراه‌آور و زشت می‌نماید. مسیحیان در نظر رومیان، فرقه‌ای مزاحم و حتی خطرناک به‌شمار می‌رفتند که می‌بایست مهار می‌شدند» (گاردنر، ۱۳۹۹: ۲۲۰).

نکته قابل‌توجه دیگر در دوره حکومت شاپور اول، هم‌زیستی همه ادیان در سایه آرامش بود. برخی مورخین به این نکته اشاره کرده‌اند که در دوره حکومت شاپور آزار و اذیتی از سوی ایشان مسیحیان ایرانی را تهدید نکرد. حتی پس از فتح شهرهای سوریه و کیلیکیه و کاپادوکیه که بیشترشان دین مسیح داشتند و کوچاندن آنان به سرزمین پارس باعث افزایش گسترش مسیحیت در ایران شد، اما هیچ‌وقت برنامه‌ای برای دشمنی‌ورزیدن با مسیحیان به وجود نیامد (جلیلیان، ۱۳۹۶: ۹۱).

پروفسور ژان گازه استاد کولژدوفرانس در کتاب عروج ساسانیان به دیدگاه مسیحیان تحت فشار والرین و رومیان غیر مسیحی در این دوران اشاره کرده است. وی در کتاب خود، سال ۲۵۷ میلادی را اوج آزار و اذیت والرین علیه مسیحیان می‌داند و در ادامه از بی‌تفاوتی پسر والرین، گالین، جهت انتقام گرفتن می‌گوید و نظرات و دیدگاه رومیان و مسیحیان را بیان می‌کند. گازه عقیده یک مسیحی درباره اسارت والرین را نیز آورده که در آن بیان شده است: «الرین که دچار جنون شده بود، دست‌های ناپاک خود را بر ضد خدا بلند کرد و در طی مدتی سخت کوتاه، موفق شد خون صالحان را بر زمین بریزد، اما خدا وی را به کفبری عجیب و از نوعی تازه رسانید تا به اعقاب وی، با این درس عبرت نشان بدهد که دشمنان خداوند همواره به مجازاتی که درخور جنایتشان است می‌رسند، والرین به دست پارسیان به اسارت افتاده بود، شاپور، شه‌ریار ایران، همان کسی که او را اسیر کرده بود، آن رومی را ناگریز می‌ساخت تا هر بار که او هوس سوارشدن بر اسب یا بالارفتن بر ارابه خویش می‌افتاد، بر پشت وی گام نهد و او را چهارپایه خود سازد. او پا بر پشت اسیر خویش نهاده با خنده‌ای اهانت‌آمیز می‌گفت: این است تاریخ واقعی، تاریخی به‌یقین سخت متفاوت با تاریخی که رومیان بر روی پرده‌های نقاشی یا بر دیوارهای خود نقش آن را می‌نگارند. والرین که بدین‌سان پیروزی هم‌آورد خود را زینت داده بود، باز هم آن قدر زنده ماند که نام رومی تا دیرزمانی بازپچه و مضحکه بربرها گردد» (روزنامه اطلاعات،



تصویر ۲. سربازان شاپور اول والرین امپراطور روم را دستگیر کرده‌اند، نگاره‌ای از شاهنامه، هنرمند ناشناس. منبع: (www.wikimedia.org)



اپیزود تاریخی کار کرده است. عنوان اثر «تحقیر والرین توسط شاپور، پادشاه پارس» است. این نقاشی یک قسمت از تاریخ روم را نشان می‌دهد. شخصیت‌های اصلی شاپور اول امپراتور ساسانیان و والرینوس امپراتور روم هستند. سرنوشت دقیق والرینوس ناشناخته است اما چندین منبع ادعا می‌کنند که والرینوس در اسارت پارسیان درگذشت. لاکتانسیوس، نویسنده مسیحی ادعای می‌کند که پادشاه ایرانی شاپور اول هنگام سوار کردن اسب خود از والرینوس به عنوان پایه سوار شدن استفاده می‌کرد. این نقاشی و برخی آثار دیگر بر مبنای این ادعا تصویر شده‌اند. شاپور شخصیت اصلی است که با کلاه لبه‌دار، شمشیری در نیام، پوششی با آستین‌های گشاد و چین‌هایی بر دامن، مشخص شده و پرچمی با نوشته «شاپور پادشاه پارس»، «SAPOR REX PERSAR» بر فراز وی برافراشته شده است. کل فضای صحنه با بناها و افرادی با لباس‌های قرن شانزدهم میلادی پر شده است. این نقاشی به نحوه رفتار تحقیرآمیز شاپور با والرین که هنگام سوار شدن بر اسب خود از او به عنوان چهارپایه استفاده کرده اشاره می‌کند. نقاشی با دو ستون با تزئینات گچ‌بری گیاهی و پاستون‌هایی سنگی چم بیننده را به داخل کادر می‌کشاند. والرین که فردی نسبتاً سالخورده است در اینجا با ریشی بلند و ردایی بر تن و تاجی گرد به سر کشیده شده است. در زیر والرینوس متن «VALERIANVS IMP» حک شده است (تصویر ۶). هنرمند دیگری که به این موضوع علاقه نشان داده و به صورت گراور کار کرده، نقاش و گراورساز هلندی رینیبر وینکلس^۶ (۱۷۴۱-۱۸۱۶ میلادی) است. در این اثر، شاپور با تاجی مرصع به سر و شنلی با تزئینات نقوش گیاهی، پای خود را بر پشت والرین که پوششی نیمه عریان دارد گذاشته است. والرین در اینجا برخلاف آثاری که مشاهده شد، دارای اندامی قوی و عضلات ماهیچه‌ای همچون تندیس‌های یونانی-رومی است و به مانند سالخوردگان و ریشدار ترسیم نشده است. شخصی که مقابل شاپور ایستاده افسار اسب را در دست گرفته، پیراهنی کوتاه و کلاه پارچه‌ای بر سر دارد. شخصیت چهارم باحالی مضطرب دودست



تصویر ۵. شاپور پادشاه پارسی، والرین امپراتور روم را تحقیر می‌کند، نسخه خطی مصور، قسمتی از اثر، ۱۴۱۳-۱۴۱۵ میلادی، رنگ‌های تامپرا، مرکب و طلا، ۴۲×۹۲/۶ سانتی‌متر، موزه پل گتی، لس آنجلس. منبع: (طاهری، ۱۳۹۶: ۱۰)

است. او جامه تنگی بر تن دارد که دنباله آن با چیزهای انبوه بر پشت اسب و روی زین قرار گرفته است. بر دوش خود شنلی دارد که دوسر در جلوی سینه به دو دکمه درشت به هم الحاق شده و دنباله آن در پشت سر به صورت نوار دولاشده و پهن با چین‌های فشرده به اهتزاز درآمده است. شلوار شاه گشاد و چین‌دار است. شاه ریش پریشی دارد که نوک آن میان حلقه‌ها فرورفته و موهای مجعدش در طرفین سر و روی شانه‌ها جای گرفته و دو رشته نوار از نوع ریان سلطنتی در پشت کلاهش به اهتزاز درآمده است. شاهنشاه ساسانی با دست چپ قبضه شمشیری را که به‌طور حمایل با تسمه‌های چرمی به کمر بندش آویخته شده، نگه می‌دارد و با دست راست خود میج فردی را گرفته (گرفتن میج دست علامت اسارت بوده) که لباس رومی بر تن دارد که برخی عقیده دارند این شخص فیلیپ عرب است. این شخص نیم‌تنه تنگی بر تن و شنلی بر دوش و دامن کوتاهی برپا دارد. در کنار این شخص و در مقابل اسب شاپور والرین زانوی راست خود را خم کرده و زانوی چپ را بر زمین تکیه داده و هر دو دستش را به سمت شاپور دراز کرده و عفو او را خواستار شده است. والرین نیم‌تنه‌ای به تن، دامنی کوتاه برپا و شنلی که در پشت سرش به حالت موج‌دار در هوا ایستاده و کلاهی به سر دارد. دو سر شل او در قسمت گردن و از جلو و سمت راست به هم گره‌خورده است. اندام او نسبت به فیلیپ عرب، فربه‌تر، کوتاه‌تر و سن او بیشتر دیده می‌شود (موسوی حاجی و سرافراز، ۱۳۹۶: ۱۲-۱۶). چهره نقش شده از امپراتور والرین که در برابر شاپور زانورده با برخی از سکه‌های رومی ضرب شده با تصویر وی شباهت دارد (تصویر ۴).

بازنمایی صحنه پیروزی شاپور اول در نقاشی‌های غرب

این روایت از داستان شکست والرین و پیروزی شاپور اول در نقاشی‌های و تصویرسازی برخی نسخ غربی دیده می‌شود. در تصویری از یک نسخه مصور مربوط به قرن پانزدهم میلادی، والرین با ردای ارغوانی، تاجی بر سر و با ریشی بلند که نشان از سالخورده بودن آن دارد بر روی زمین خم شده و شاپور باحالت تحقیرآمیزی پای خود را بر پشت او گذاشته تا سوار بر اسب خود گردد. افراد حاضر در صحنه به دودسته سمت راست با کلاه مخصوص خود و در سمت چپ با کلاهی متفاوت دیده می‌شود. این نقاشی در کتابی در سال‌های ۱۴۱۴ تا ۱۴۱۵ میلادی منتشر شده است (تصویر ۵).

هانس هولباين^۵ (۱۴۹۷-۱۵۴۳ میلادی) نقاش آلمانی طرحی از این



تصویر ۴. مقایسه تصویر والرین در نقش برجسته نقش رستم و یک سکه رومی. منبع: (fa.wikipedia.org)



تصویر ۷. شاپور اول والرین را تحقیر می‌کند و با پا گذاشتن بر پشت وی بر اسب سوار می‌شود، گراور، رینیبر وینکلس، ۱۸۰۴ میلادی، ۱۳/۵ در ۸/۵ سانتی‌متر، موزه هنر و تاریخ، آمستردام.

و نقاش آن ناشناس است. این صحنه روایی و ایپیزودیک قدرتمندی است که معمای پیچیده روابط امپراتوری روم و همچنین قدرت روزافزون دشمن وی امپراتوری پارس را بیان می‌کند. این صحنه زمانی را که شاپور سوار بر اسب نشسته را نشان می‌دهد و حالت دراز شده والرینوس بیانگر فشار پاهای شاپور بر پشت وی برای سوار شدن است. این نقاشی نمونه بارزی از یک رهبری پیروزمندانه است که خود را به‌عنوان نیرویی غالب تثبیت می‌کند.

جنبه‌های بسیاری در این نقاشی وجود دارد که می‌تواند اهمیت تاریخی به این اثر بدهد. به نظر می‌رسد که این نقاشی در داخل دیوارهای یک قلعه صورت گرفته است، زیرا پس‌زمینه نشان می‌دهد که این دو نفر در وسط یک طاق یا شاید دروازه شهر ادسا ایستاده‌اند. اندازه پس‌زمینه در مقایسه با شخصیت‌ها کوچک است. جزئیات کار شده در چهره‌ها باعث می‌شود که چهره‌ها بزرگ‌تر از اندازه واقعی به نظر برسند. شاپور اول و والرین به‌طور قابل توجهی به بیننده نزدیک‌اند. علاوه بر این، به نظر می‌رسد شاپور بر روی اسب خود بزرگ‌تر از دشمنش، والرین است. اندازه بزرگ‌تر شاپور در نهایت می‌تواند مربوط به قدرت برتر او در مقایسه با والرین باشد. اسب پادشاه پارس نیز دارای معنای عمیق نمادین است. در حالی که والرین امپراتور روم از ترس روی زمین افتاده است، شاپور بر روی اسب خود نشسته و بر همتای خود مسلط است. والرین با نگرانی و ترس به شاپور نگاه می‌کند، زیرا می‌داند که سرنوشتش در دستان وی است. این می‌تواند به‌عنوان نشانه دیگری از تحقیر رومی‌هایی تفسیر شود که تا آن لحظه همیشه کسانی بودند که سرنوشت دشمنانشان را در دست داشتند (تصویر ۸).



تصویر ۶. شاپور پادشاه پارس، والرین امپراتور روم را تحقیر می‌کند، هانس هولباین جوان، حدود ۱۵۲۱ میلادی، قلم و مرکب سیاه، گچ و آبرنگ، ۲۸/۵×۴۲/۸ سانتی‌متر، موزه هنر، بازل. منبع: طاهری، ۱۳۹۶، (۱۱)



تصویر ۸. شاپور پادشاه ساسانی امپراتور والرین را تحقیر می‌کند، (پرتره امپراتور شارل یا کارل پنجم)، هنرمند ناشناس، رنگ‌روغن روی بوم، ۳۶/۸ در ۲۸/۶ سانتی‌متر، مکتب آنتورپ هلند، ۱۵۱۵-۱۵۲۵ میلادی، موزه هنر ورکستر، ماساچوست. منبع: www.worcesterart.org

خود را به گلو می‌فشارد و موضوعی را عرض به شاپور می‌رساند. پوشش سر او شبیه به عمامه‌های عربی است. فضای شهری و پوشش سر و لباس‌ها شرقی است و با توجه به مکان و زمان رخداد این صحنه مقبول‌تر به نظر می‌رسد (تصویر ۷).

یک نقاشی دیگر که موضوع «پادشاه پارس امپراتور والرین را تحقیر می‌کند» را دستمایه خود قرار داده مربوط به قرن شانزدهم میلادی بوده



دریافت می‌کرد. این امپراتور پس از قرن شانزدهم، امپراتوری مقدس روم را فرمانروایی می‌کرد که شامل قلمرو اروپای مرکزی متحده قرون وسطی بود (تصویر ۹).

چنانچه ملاحظه شد در بیشتر آثار نقاشی غربی با موضوع پیروزی شاپور بر والرین، فضای تحقیر وی و احساس نوعی پشیمانی در چهره وی، با توجه به روایات عقوبت شکنجه‌کنندگان و آزاردهندگان مسیحیان دیده می‌شود. از آنجاکه دین مسیحیت به هنگام امپراتوری والرین هنوز به رسمیت شناخته نشده بود و کیشان و آنانی که به این دین گرویده بودند از سوی ایشان مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفتند، همین موضوع در سده‌های بعدی موجب تنفر و نفرت شده و در بازگویی واقعه نبرد ادسا و نحوه برخورد شاپور با والرین باعث گزاره‌گویی شده و شاپور را دست انتقام خدا برای شخصی که موجبات اذیت مسیحیان را فراهم می‌کرد، می‌دانستند.

نتیجه‌گیری

در نقش‌برجسته نقش رستم روایت پیروزی شاپور در نبرد ادسا با اسارت گرفتن والرین روم و به‌زبان در آمدن وی در کنار اسب شاپور شاه تصویر شده است. شاپور پیروزمندانه و با قدرت و صلابت سوار بر اسب خود در مرکز صحنه ایستاده است. در برخی نقاشی‌های غربی این پیروزی به صورت تحقیر و ذلت والرین در پیش پای شاپور شاه تصویر شده است. شاپور در حالی که قصد سوار شدن بر اسب خود را دارد پای خود را بر پشت والرین روم که بر زمین افتاده، می‌گذارد. در نقاشی‌های یادشده والرین در تمامی صحنه‌ها چهارپایه سوار شدن شاپور بر اسب، با چهره‌ای که نشان از تضرع و خواری و ذلت را نمایان می‌سازد دارد. دلیل آن را می‌توان در نحوه برخورد والرین با نو مسیحیان دانست. والرین در دوران امپراطوی خود به آزار و اذیت و شکنجه و کشتار مسیحیان پرداخته بود و همین امر باعث کینه و عداوت آنها در زمان وی و قرون بعدی نیز شده بود. این موضوع بر روایت‌های شفاهی و مکتوب دوره‌های بعد از خود اثر داشته و بر پرده‌های نقاشی نیز نمایان شده است. روایتی از دست انتقام خدا به وسیله شاپور شاه ساسانی علیه کسی که موجبات عذاب مؤمنان مسیحی بوده است. البته می‌توان گفت که این روایات از تحقیر و کشتن والرین توسط شاپور باعث شده است تا برخی از مورخین بدون مدرک و سند تاریخی از آن سوء استفاده کرده و شاپور اول را پادشاهی خشن و بی‌رحم بنمایانند و از طرفی والرین را مستوجب این عقوبت بدانند.

پی‌نوشت‌ها

1. Firmianus Lactantius.
2. De mortibus Persutorum.
3. George Rawlson.
4. The Seventh Great Oriental Monarchy.
5. Hans Holbein the Younger.
6. Reinier Vinkeles.

فهرست منابع فارسی

آزند، یعقوب (۱۳۸۵)، *ایران باستان*، چاپ اول، تهران، مولی.
الگو، سیر (۱۳۵۶)، *تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی*،



تصویر ۹. شارل پنجم سوار بر اسب، تیسین، رنگ‌روغن روی بوم، ۱۵۴۸ میلادی، ۲۸/۴ در ۳۳/۵ سانتی‌متر، موزه دل پرادو.

یکی دیگر از ویژگی‌های بسیار جالب این تصویر تضاد بین رنگ لباس والرین و پادشاه پارسی و اسب او است. در حالی که امپراتور رومی لباس‌های تیره به تن دارد و با زمین هم‌رنگ شده، شاه پارسی سوار بر اسب سفید است و زره روشن به تن دارد. والرین در لباسی مضحک نشان داده شده در حالی که شاپور بسیار باوقار و همانند شوالیه‌های قرن شانزدهم میلادی است. این موضوع می‌تواند به نوعی دارای اهمیت دینی نیز باشد، زیرا می‌توان شاپور را به‌عنوان منجی فرستاده‌شده از طرف خدا دانست که در بند کننده امپراتور آزاردهنده مسیحیان است. استفاده از تضاد نور در پشت سر شاپور و تاریکی محل قرارگیری والرین نیز قابل توجه است. پیروزی تاریخی شاپور و شکست تحقیرآمیز والرین، رویدادی مهم بود که از یک سو نشان از تنزل قدرت رومیان داشت و از سوی دیگر استعاره‌ای از عقوبت سخت دشمنان و شکنجه گران مؤمنان مسیحی شده بود. بنابراین تجسم برخی از شاهان قرون وسطی در این مقام، با نمادی دوگانه‌ای همراه بود. در این نقاشی نیز پرتره و فیگور شارل پنجم پادشاه اسپانیا سوار بر اسب به جایگزین شاپور شاه فاتح پارسی شده است. نقاشی دیگری از شارل پنجم سوار بر اسب، اثر تیسین، وی را در همین حالت نشان می‌دهد. در اینجا، یک نماد پیچیده نهفته است که شارل را با دو کیفیت نشان می‌دهد: به‌عنوان یک شوالیه مسیحی، و وارث سنت‌های امپراتوری روم. نیزه‌ای که امپراتور در دست راست خود نگاه داشته و به‌عنوان نمادی از قدرت سزارهای روم، همچنین یادآور نیزه قدیس جورج است. این پرتره از امپراتور شارل پنجم (۱۵۰۰-۱۵۵۸) سوار بر اسب به یاد پیروزی نیروهای امپراتوری بر پروتستان‌ها در حوالی مولبرگ آلمان ساخته شده است. «شارل پنجم» (۱۵۰۰-۱۵۵۸ میلادی) از سال ۱۵۱۹ تا ۱۵۵۶ میلادی پادشاه اسپانیا و ملقب به امپراتور مقدس روم بود. لقبی که توسط تاریخ‌نویسان برای نامیدن حکمران آلمانی قرون وسطایی استفاده می‌شد. وی همچنین لقب امپراتور رومن‌ها یا رومیان را نیز از پاپ



مشکور، محمدجواد (۱۳۶۶)، *تاریخ ساسانیان*، چاپ اول، دنیای کتاب، تهران.
وینتر، انگلبرت؛ دیگناس، بناته (۱۳۸۶)، *روم و ایران دو قدرت جهان در
کشاکش و همزیستی*، ترجمه کیکاوس جهاننداری، چاپ اول، نشر پژوهش
فروزان روز، تهران.
نژاد اکبری مهربان، مریم (۱۳۸۶)، *شاهنشاهی ساسانیان*، کتاب پارسه، تهران.
گاژه، ژان (۱۳۸۵)، *زانو زدن غرب در برابر ایران*، ترجمه دکتر ضیاالدین
دهشیری، روزنامه اطلاعات، شماره ۲۳۵۹۴.

فهرست منابع لاتین

www.sciencesource.com accessed in 21/11/2020
www.livius.org/pictures/iran/naqs-e-rus tam accessed in
11/12/2020
fa.wikipedia.org/wiki/ValerianusIsest.jpg accessed in 21/11
/2020
commons.wikimedia.org/wiki/File:The_capture_of_Vale-
rian_by_the_Persians_Sahand_Ace.jpg?uselang=fa accessed in
21/11/2020
www.ancient-origins.net accessed in 19/11/2020
https://thewalters.org accessed in 21/11/2020
www.worcesterart.org accessed in 09/12/2020

ترجمه: باهر فرقانی، چاپ اول، سپهر، تهران.
جلیلیان، شهرام (۱۳۹۶)، *تاریخ تحولات سیاسی ساسانیان*، سازمان مطالعات و
تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، چاپ اول، تهران.
دیگناس، بناته؛ وینتر، انگلبرت (۱۳۹۸)، *روم و ایران در اواخر عهد باستان دو
رقیب، دو همسایه*، مترجم: بهرام محقق، چاپ اول، نشر باهم، تهران.
دریایی، تورج (۱۳۸۳)، *شاهنشاهی ساسانی*، ترجمه: مرتضی نایب فر، ققنوس،
تهران.
زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۴)، *تاریخ مردم ایران: کشمکش با قدرت‌ها*،
چاپ اول، سپهر، تهران.
کریستن سن، آرتور (۱۳۸۷)، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه: رشید یاسمی،
چاپ اول، کوشش، تهران.
طاهری، علیرضا (۱۳۹۶)، *پارچه ابریشمین ساسانی، مدالیون‌ها و نفوذ آنها در
شرق و غرب*، انتشارات دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان.
گاردنر، هلن (۱۳۹۹)، *تاریخ هنر جهان*، ترجمه: محمدتقی فرامرزی، چاپ
بیست و هشتم، نگاه، تهران.
گیبون، ادوارد (۱۳۵۱)، *انحطاط و سقوط امپراتوری روم*، ترجمه: فرنگیس
شادمان، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
موسوی حاجی، سید رسول؛ سرافراز، علی اکبر (۱۳۹۶)، *نقش برجسته‌های
ساسانی*، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران.
مقتدر، غلامحسین (۱۳۸۹)، *جنگ‌های هفت صدساله ایران و روم*، چاپ
اول، دنیای کتاب، تهران.



A Comparative Study on the Representation of Valerian's Captivity by Shapur in the Bas Relief of Naqsh-e Rostam and Western Paintings

Alireza Taheri^{*1}, Azam Zafar Kamel²

¹Professor, Department of Carpet, Faculty of Art and Architecture, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

²Master of Art Research, Department of Art Research, Faculty of Art and Architecture, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

(Received: 9 Dec 2020, Accepted: 11 Jan 2021)

The Battle of Edessa was one of the most famous and important wars between the two empires of the East (Sassanid) and the West (Romans) in its time. Shapur the Great was the second Sassanid emperor to lead the Sassanid army in battles with the Romans in successive wars with the Romans. According to some historians, he had three battles with the Romans; the third battle took place in 260 AD in Edessa (a region in Turkey) with Roman emperor Valerian. Because of such a great victory, Shapur ordered that the scene of his victory be engraved in several places. Naqsh-e Rostam is one of the places where the scene of Shapur's victory in the battle of Edessa and the kneeling and humiliation of Valerian is shown in a bas relief. The scene of the victory of Shapur and the humiliation of the Roman Emperor, in addition to the reliefs, have been depicted as an important historical event in the following centuries, but in some Western paintings, this history has been narrated and depicted in different ways. The distortion of the narrative of Shapur's victory over Valerian has continued in Western writers even in later centuries. It is said that he was constantly ridiculed by the people and after that, whenever Shapur the Great wanted to ride a horse, he would put his foot on his neck. After Valerian died in captivity, his skin was stuffed with straw and shaped into a human body and placed in one of the temples. Contrary to all narrations and according to the inscription that exists in the Kaaba of Zoroaster, Shapur the Great captured Valerian and his companions and servants and benefited from their knowledge. The truth of this claim can also be found in the poems of Ferdowsi's *Shahnameh*. This study intends to answer this question: "What is the reason for the difference in the narration of Shapur's treatment of Valerian in this battle in some works of Western painting?" The result of the study shows that in most of the Western paintings with this subject, the reason for Valerian's humiliation and the

feeling of remorse on his face is attributed to the narrations of the punishment of the torturers and persecutors of the early Christians. Some Western historians, because of their religious bigotry, as well as the Christians who were persecuted by Emperor Valerian, have considered his humiliation and Shapur's mistreatment to be God's revenge, and this has led to exaggerations and distortions of this story. In general, in the relief of Naqsh-e Rostam, the story of Shapur's victory in the battle of Edessa with the capture of Valerian and his coming to terms with Shapur's horse is depicted. Shapur sets his foot on the fallen Valerian while riding his horse. In most Western paintings, Valerian is depicted in all scenes, such as the stool of Shapur riding a horse, with a face that shows a sign of supplication and humiliation. This research has been done by descriptive and analytical methods.

Keywords

Naqsh-e-Rostam, Sassanids, Battle of Edessa, Shapur I, Valerian.

*Corresponding Author: Tel: (+98-912) 4483575, Fax: (+98-51) 37258756, E-mail: artaheri@arts.usb.ac.ir